

Reexamining the Idea of the Islamic *Ummah* in the Contemporary International System from the Perspective of Qur'ānic Verses and Ḥadīths

Atefeh Khorrani Arani¹, Hossein Javan Arasteh², Vahid Nekoonam³

¹ PhD., Student, Department of Public Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
atefekhorrani@yahoo.com

² Associate Professor, Department of Law and Social Jurisprudence, Hawza and University Research Institute, Qom, Iran (Corresponding author). hoarasteh@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Hazrat Masoumeh University, Qom, Iran.
vahid.nekoonam@gmail.com

Abstract

Establishing a cohesive and united Muslim community in today's world, considering the prevailing global conditions, is an undeniable necessity and need. The notion of the *ummah wāḥidah* (single unified community) serves as the organizing and central concept for all Muslims. The formation of this concept within the contemporary international system possesses characteristics such as globalization, which is analyzed in the present study. The presence of Muslim nation-states and their fragmented and isolated actions have led to ambiguity in the concept of the Islamic *ummah*. The establishment of the *ummah wāḥidah* is emphasized in the Noble Qur'ān and the teachings derived from the *sīrah* of the *ma'ṣūmīn* (infallibles, peace be upon them). According to both major Islamic sources—Qur'ānic verses and ḥadīths—the formation of the *ummah* is one of Islam's most important projects. This matter must not be neglected in the contemporary period. Both the verses and the traditions have sought to devise mechanisms for the founding of the Islamic *ummah*. These mechanisms can be extracted and implemented even in the contemporary era to manifest aspects of the *ummah's* establishment so that the concept of the Islamic *ummah* does not become ambiguous. It appears that in answering the question of how the Islamic *ummah* can be formed, one must refer to the intellectual and gradual decline of this concept. In a globalized international system where Islamic actors exist as separate nation-states, the establishment of the *ummah* is not feasible. Rather, the formation of Islamic unions and moving towards convergence among Islamic countries may serve as an alternative. This process has previously been pursued through the establishment of organizations like the Organization of Islamic Cooperation and is now on the agenda of countries like Malaysia through the establishment of an Islamic alliance.

Keywords: Islamic *Ummah*, Muslim World, International System, Islamic Unity.

Received: 2024-07-03 ; Received in revised form: 2024-08-11 ; Accepted: 2024-09-09 ; Published online: 2024-12-23

<https://doi.org/10.22034/sm.2023.2003739.2076>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بازخوانی ایده امت اسلامی در نظام بین‌الملل معاصر از منظر آیات و روایات

عاطفه خرمی آرانی^۱، حسین جوان آراسته^۲، وحید نکونام^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. atefekhorrani@yahoo.com

^۲ دانشیار، گروه حقوق و فقه اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول). hoarasteh@gmail.com

^۳ استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران. vahid.nekoanam@gmail.com

چکیده

تشکیل اجتماع منسجم و متحد از مسلمانان در دنیای امروز با توجه به شرایط خاص حاکم بر جهان، ضرورت و نیازی انکارناپذیر است. «امت واحده» مفهوم سازمان‌دهنده و مرکزی برای تمام مسلمانان است. چگونگی شکل‌گیری این مفهوم در نظام بین‌الملل معاصر از ویژگی‌هایی همچون جهانی شدن برخوردار است، که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. حضور دولت-ملت‌های مسلمان و کنشگری یکپارچه و مجزای از هم آنها موجب ابهام در مفهوم امت اسلامی شده است. تشکیل امت واحده اسلامی مورد تأکید قرآن کریم و آموزه‌های به‌جامانده از سیره معصومین (ع) است. براساس هر دو منبع مهم اسلامی یعنی آیات و روایات، امت‌سازی یکی از مهم‌ترین پروژه‌های اسلام است. در دوران معاصر نیز این امر را نمی‌توان مورد غفلت قرار داد. هم آیات و هم روایات، تلاش کرده‌اند که سازوکاری را برای تأسیس امت اسلامی طراحی نمایند. این سازوکار را در دوره معاصر نیز می‌توان استخراج کرد و به کار بست و سوبه‌هایی از تأسیس امت اسلامی را به منصفه ظهور رساند. تا مفهوم امت اسلامی، به مفهومی مبهم تبدیل نشود. به نظر می‌رسد در پاسخ به مسئله چگونگی شکل‌گیری امت اسلامی می‌توان به تنزل عقلی و تدریجی این مفهوم اشاره کرد و اینکه تأسیس امت اسلامی در نظام بین‌المللی جهانی شده که کنشگران اسلامی در آن به صورت دولت-ملت‌های مجزا از هم حضور دارند، امکان‌پذیر نبوده، بلکه تأسیس اتحادیه‌های اسلامی و حرکت به سمت همگرایی میان کشورهای اسلامی می‌تواند به عنوان جایگزینی برای آن باشد. فرایندی که پیش‌تر با تأسیس سازمان‌هایی نظیر کنفرانس اسلامی و یا امروزه کشورهای همچون مالزی با تأسیس اتحاد اسلامی آن را در دستور کار قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: امت اسلامی، جهان اسلام، نظام بین‌الملل، وحدت اسلامی.

استناد به این مقاله: خرمی آرانی، عاطفه؛ جوان آراسته، حسین؛ نکونام، وحید (۱۴۰۳). بازخوانی ایده امت اسلامی در نظام بین‌الملل معاصر از منظر آیات

و روایات. *سیاست متعالیه*، ۱۲(۴): ۵۰-۳۳. <https://doi.org/10.22034/sm.2023.2003739.2076>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

گذار جهان اسلام از بسیاری از مشکلات پیش‌رو و دسیسه‌های نظام سلطه، جز در سایه وحدت مسلمین امکان‌پذیر نمی‌باشد. این امر موجب شده است که امروزه «امت واحده»، مفهوم سازمان‌دهنده و مرکزی برای مسلمانان باشد. با توجه به بحران‌های متعدد در جهان اسلام از بحران فلسطین و مسئله قدس شریف گرفته تا بحران سودان، بحران یمن، و پیشتر بحران داعش در کشور عراق و سوریه و... همگی نشان از این امر دارند که جهان اسلام، نیازمند یک جریان مرکزی است که بتواند در مسائل مهم و حیاتی نظیر امنیت و یا ارتباطات میان کشورهای اسلامی ایفای نقش کند. البته در درون نظام بین‌الملل معاصر که از ویژگی‌هایی همچون جهانی‌شدن برخوردار است، ایجاد وضعیتی که بتواند نوعی هماهنگی و همگرایی میان کشورهای اسلامی به‌وجود آورد، بسیار سخت به نظر می‌رسد و همین امر، سبب شده که تأسیس وضعیت همگرایانه میان کشورهای اسلامی به یکی از مهم‌ترین مسئله‌های پژوهشی تبدیل شود. کشورهای اسلامی، کشنگری خود را در نظام بین‌الملل معاصر در قالب دولت-ملت‌ها تعیین و ترسیم کرده و با عضویت در نهادهایی همچون سازمان ملل متحد و پذیرش سازوکارهای کشنگری در نظام بین‌الملل، نظیر سازوکارهای حقوق بین‌الملل و رژیم‌های بین‌المللی، خود را محدود به نظم غالب نموده‌اند. همه این کشورهای اسلامی در فضای داخلی خود، کشنگری یکپارچه بوده و در فضای بین‌المللی، مجزای از هم هستند؛ که حلقه ارتباط آنها نهادهای بین‌المللی غیراسلامی موجود است. این امر، سبب می‌شود که مفهوم امت اسلامی، به مفهومی مبهم و غیرانضمامی تبدیل شود. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد در پاسخ به مسئله چگونگی شکل‌گیری امت اسلامی می‌توان به تنزل عقلی و تدریجی این مفهوم به‌عنوان فرضیه پژوهش مراجعه کرد و بر این باور بود که تأسیس امت اسلامی در نظام بین‌المللی جهانی شده که کشنگران اسلامی در آن به صورت دولت-ملت‌های مجزا از هم حضور دارند، امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، گزینه جایگزین همراه با تنزل عقلی، بلکه تأسیس اتحادیه‌های اسلامی و حرکت به سمت همگرایی میان کشورهای اسلامی است. این امر می‌تواند مرحله پیش‌امت اسلامی را تداعی کند. فرآیندی که پیشتر با تأسیس سازمان‌هایی نظیر کنفرانس اسلامی و یا امروزه، کشورهای هم‌چون مالزی با تأسیس اتحاد اسلامی، آن را در دستور کار قرار داده‌اند. در مقاله پیش‌رو، پس از بررسی اهمیت تأسیس امت اسلامی از منظر آیات و روایات، به بررسی راه‌حل‌های موجود در امت‌سازی و افزایش سطح همگرایی میان کشورهای اسلامی پرداخته می‌شود.

۲. امت اسلامی از منظر آیات و روایات

نخستین گام در بررسی مفهوم امت اسلامی را می‌بایست در منابع دست اول اسلامی، یعنی قرآن و سنت

جست‌وجو کرد. در بررسی آیات مرتبط با موضوع بحث، در ابتدا با دو دسته آیات مواجه می‌شویم: یک دسته، آیاتی که ناظر بر سلب و نفی و نهی مسلمانان از تفرقه و لزوم اتحاد و برادری میان مسلمانان و پرهیز از اختلاف و تفرقه هستند.

دسته دیگر، آیاتی که ناظر بر ایجاب و اثبات و امر به موضوع وحدت و همبستگی و امت واحد پرداخته‌اند: آیات مربوط به موضوع بحث و آیات کلی وحدت. در اینجا به علت کثرت آیات برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

برای دسته اول، آیاتی مثل آیه ۱۰۳ سوره مبارکه «آل عمران» («و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا») (همگی به ریسمان الهی چنگ زده و متفرق نگردید)؛ که این آیه از مشهورترین آیات مرتبط با این موضوع می‌باشد، ذکر شده است. در ذیل این آیه شریفه در تفسیر «آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن» با استناد به حدیث متواتر ثقلین آمده که مصداق «حبل‌الله» که مانع از سقوط در ورطه گمراهی و ضلالت می‌شود دو ثقل گرانبه‌ای یعنی کتاب خدا و اهل بیت پیامبر (ص) می‌باشند. در این تفسیر چنین آمده است: «وقد دلنا رسول الله (ص) علی ما هو من مصادیق هذا السبب و الحبل الذی لا یضل من تمسک به بقوله (ص) فی حدیث الثقلین ما إن تمسکتُم بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی اهل بیتی» (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۳۲۲). همچنین مصداق حبل الهی، دین اسلام (قرآن و پیروی رسول اسلام) نیز ذکر شده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۱۵۴).

صاحب تفسیر «التبیان فی تفسیر القرآن» در ذیل این آیه، برای معنای «حبل‌الله» که مایه وحدت و انسجام می‌شود دو قول ذکر نموده است؛ یکی به معنای کتاب خدا و دیگری به معنای دین خدا یا همان دین اسلام (طوسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۵۴۵). در تفسیر «مجمع‌البیان» نیز برای بیان معنای این مایه اتحاد جامعه اسلامی (حبل‌الله) چندین قول آمده است: گفته شده مراد از حبل‌الله، قرآن است؛ مراد، دین اسلام است؛ مراد، ائمه (ع) هستند. ابان بن تغلب از حضرت صادق (ع) نقل می‌کند که امام فرمودند: «ما آن حبل‌الله هستیم که خدا فرمود: «واعتصموا بحبل الله جميعا». بهتر است که آیه را به همه این معانی حمل کنیم. نکته قابل توجه در این آیه، استفاده از واژه «حبل» به جای «قرآن» یا «اسلام» یا «اهل بیت (ع)» و نظایر اینها است؛ که به نظر می‌رسد با توجه به معنای لغت حبل که ریسمان است و شخص گرفتار در چاه گمراهی و ضلالت با تمسک به آن نجات می‌یابد؛ نجات امت متفرق که حیاتش با دودستگی به خطر افتاده، در تمسک به وحدت کلمه است. آیه ۲۰۸ سوره مبارکه «بقره» نیز در این باره می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا ادخلو فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات شیطان انه لکم عدو مبین» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بدون هیچ اختلافی همگی تسلیم

خدا شوید و زنه‌ار گام‌های شیطان را پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است). فیض کاشانی با استناد به روایت امام صادق (ع)، تفسیر مشابهی از این آیه دارد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۴۲). همچنین از دعوت عمومی این آیه -که همه مؤمنان را بدون لحاظ کردن تفاوت‌های نژادی و زبانی و جغرافیایی و...- به صلح و سازش دعوت می‌کند، استفاده می‌شود که تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح پایدار و گسترده در سایه آن امکان‌پذیر است، فقط در پرتو ایمان به خدا ایجاد می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق: ج ۲، ص ۸۲).

آیه ۴۶ سوره مبارکه انفال نیز در این خصوص می‌فرماید: «و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و صبروا ان الله مع الصابین» (و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف نکنید که سست و بددل می‌شوید و قدرت و شوکت‌تان از میان می‌رود و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است). در این آیه، خداوند ضمن تأکید بر تبعیت از خدا و رسولش، تفرقه و نزاع را عامل سستی و هزیمت مسلمانان می‌داند. «ظاهر سیاق این است که منظور از «اطاعت» اطاعت دستوراتی است که از ناحیه خدا و رسول راجع به امر جهاد و دفاع از حریم دین و بیضه اسلام صادر می‌شود. «و لا تنازعوا» یعنی با نزاع و کشمکش در میان خود، ایجاد اختلاف نکنید و در نتیجه، خود را دچار ضعف اراده مسازید و عزت و دولت و یا غلبه بر دشمن را از دست مدهید، چون اختلاف، وحدت کلمه و شوکت و نیروی شما را از بین می‌برد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق: ج ۷، ص ۱۹۶؛ قرآنی، ۱۳۸۳ق: ج ۴، ص ۳۳۶؛ بانو امین اصفهانی، ۱۳۶۱ق: ج ۵، ص ۳۹۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ق: ج ۱۲، ص ۲۵۲).

در آیه ۵۹ سوره مبارکه «نسا» که خداوند رجوع به خدا و رسول را به‌عنوان راهکاری برای حل اختلاف و ایجاد یگانگی معرفی می‌کند: «فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول»: (پس اگر در چیزی اختلاف پیدا کردید، رجوع کنید به خدا و رسول). «در احکام و قوانین کلی اسلام است که تشریح آن با خدا و پیامبر (ص) است؛ زیرا امام فقط مجری احکام است. نه قانونی وضع می‌کند و نه نسخ می‌کند؛ بلکه همواره در مسیر اجرای احکام خدا و سنت پیامبر (ص) است و لذا، در احادیث اهل بیت (ع) آمده که اگر از ما سخنی برخلاف کتاب الله و سخن پیامبر (ص) نقل کردند، هرگز نپذیرید. محال است چیزی برخلاف کتاب الله و سنت پیامبر (ص) بگوئیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق: ج ۳، ص ۴۴۱).

«علامه طباطبایی، نزاع مطرح در این آیه را نزاع بین مؤمنین می‌داند؛ چون متصور نیست که مؤمنین با شخص ولی امر، با اینکه اطاعت از او واجب است، نزاع کنند. همچنین، تصور ندارد که در مسئله، رأی و نظر باشد، چون فرض بر وجود ولی امر و صاحب حکم در بین آنان است؛ پس اگر نزاعی رخ می‌دهد، در حکم

حوادث و قضایایی است که پیش می‌آید. خداوند در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره مبارکه (روم) نیز مؤمنان را از اینکه همچون مشرکین فرقه فرقه شوند، برحذر می‌دارد: «ولا تكونوا من المشركين من الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعا» (از مشرکین نباشید، از کسانی که دین خود را قطعه‌قطعه کردند و فرقه‌فرقه شدند). «در این جمله، مشرکین را به خصوصی‌ترین صفاتی که در دین دارند معرفی نموده و آن، این است که در دین متفرق‌اند و دسته‌دسته و حزب‌حزب هستند و هر حزب، به دین خود خوشحال است و علت آن، همان است که ... مشرکین اساس دین خود را بر هوی و هوس نهاده‌اند» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۶، ۱۸۲-۱۸۳). بنابراین، هر جا اختلاف و پراکندگی بود، باید دانست که نوعی شرک حاکم است. نتیجه شرک، جدایی صفوف، تضاد، هدر رفتن نیروها و سرانجام، ضعف و زبونی و ناتوانی است ... هواپرستی هرگز به انسان اجازه نمی‌دهد چهره حقیقت را آنچنان که هست، ببیند و قضاوت صحیح و خالی از حبّ و بغض‌ها پیدا کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۴۲۲). «شرک، تنها پرستیدن خورشید و ماه و بت نیست، هرکس که عامل تفرقه در دین خدا شود، مشرک است. مشرکین درصدد تفرقه دینی مردم هستند. جنجال‌ها و تفرقه‌های دینی، مانع شکوفایی فطرت و روح توبه و تقوا و نماز است» (قزائنی، ۱۳۸۳: ج ۲۳، ص ۱۸۰). در تفسیر «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن» این اختلافات علاوه بر اینکه خلاف شرع الهی دانسته شده، خلاف فطرت انسان نیز ذکر شده و خداوند در هر اثر واحدی به یک شرح واحد حکم کرده است، نه شریعت‌های مختلف (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۲۳، ص ۱۸۰).

قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف به بحث ضرورت اتحاد در جوامع اسلامی و لزوم پرهیز از تفرقه پرداخته است. در این خصوص، می‌توان نه‌آیه را نام برد (مانده، ۴۸؛ یونس، ۱۹؛ هود، ۱۱۸؛ نحل، ۹۳؛ شوری، ۸؛ زخرف، ۳۳؛ مؤمنون، ۵۲؛ انبیاء، ۹۲؛ بقره، ۲۱۳). از جمله آیه ۵۲ از سوره مبارکه مؤمنون که البته تشابه بسیاری با آیه ۹۲ سوره مبارکه انبیاء دارد، که در مقدمه ذکر شد: «و ان هذه امتکم امة واحده و انا ربکم فاتقون» (همانا این امت شما است، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید). این آیه «به وحدت و یگانگی جامعه انسانی و حذف هرگونه تبعیض و جدایی دعوت می‌کند، همان‌گونه که پروردگار واحد است، انسان‌ها نیز از امت واحد هستند، به همین دلیل، باید از یک برنامه پیروی کنند؛ همان‌گونه که پیامبران‌شان نیز به آیین واحدی دعوت می‌کردند» (بابایی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۲۵۵).

در آیه ۱۹ سوره مبارکه یونس نیز خداوند سابقه امت واحد بودن مردم را مطرح کرده و فرموده است: «وما كان الناس الا امة واحدة فاختلّفوا و لولا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم فيما فيه يختلفون» (و مردم جز امت واحدی نبودند که سپس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده خداوند از پیش مقرر نگشته بود به تأخیر عذاب بین

آنان، در آنچه اختلاف کردند، داوری می‌شد). این آیه، اشاره به فطرت توحیدی همه انسان‌ها می‌کند که در آغاز، همه افراد بشر، امت واحدی بودند و جز توحید در میان آنها آیین دیگری نبود. این فطرت توحیدی که در ابتدا دست‌نخورده بود، با گذشت زمان بر اثر افکار کوتاه و گرایش‌های شیطانی، دستخوش دگرگونی شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ص ۲۵۲). طبق تفسیر فوق‌الذکر، خداوند در این آیه به سنت الهی مبنی بر آزادی انسان‌ها اشاره دارد که اگر جز این بود، ایمان موحدان تقریباً اجباری و اضطرابی شده و فاقد ارزش و افتخار می‌شد. به نظر می‌رسد اختلافات مردم که سبب به هم خوردن شاکله امت واحد می‌شود، دو نوع است: یکی اختلاف در امور مادی و معیشتی، که این همان اختلافی است که خداوند به وسیله تشریح دین و بعثت انبیاء و انزال کتب آسمانی برطرف کرده است؛ و دیگری، اختلاف در امور عقیدتی و دینی بر سر معارف دین و اصول و فروع آن، که البته این نوع اختلاف مانند اختلاف نوع اول مقتضای طبیعت بشر نبوده و با همین اختلافات بود که دو طریق هدایت و ضلالت آشکار شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۰، ص ۳۱-۳۲؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۴، ص ۳۶۶).

آیه ۳۳ سوره مبارکه زخرف نیز به مسئله امت یگانه اشاره دارد: «ولولا ان يكون الناس امة واحدة لجعلنا لمن يكفر بالرحمن لبيوتهم سقفا من فضة و معارج عليها يظهرون» (و اگر این نبود که مردم، همه یک امت کافر شوند، برای خانه‌های کافران سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی از نقره قرار می‌دادیم که با آنها بالا روند). طبق این آیه شریفه، اگر بهره‌مندی کفار از انواع مواهب مادی سبب نمی‌شد که قاطبه انسان‌ها به کفر و ضلالت میل پیدا کنند و یک امت واحد گمراه را تشکیل دهند؛ آنها از انواع نعمت‌های دنیوی سرشار می‌شدند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۸، ص ۱۰۱؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۲۷، ص ۶۳۱؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۱۰، ص ۴۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ص ۷۲). در برخی دیگر از آیات نیز، که صراحتاً واژه «امت واحد» به کار رفته است، خداوند هر نوع مشیت جبرآمیزی را برای تشکیل امت واحد نفی کرده و اراده خدا بر ایجاد امت واحد را با انتخاب و اختیار انسان‌ها دانسته است. با تأمل در آنچه که پیرامون مفهوم «امت واحد» در آیات قرآن کریم بیان شد، می‌توان دریافت که اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول و قرآن به عنوان کتاب خاتم، مطرح است؛ کتابی که آموزه‌های آن، همه جامعه بشری را جهت هدایت عمومی و ارسال پیام الهی، مورد خطاب قرار داده است؛ و بدون توجه به مرزهای دست‌ساز بشر و تفاوت‌های رنگی و نژادی و زبانی و جنسیتی میان مسلمانان، بر آنان نام «امت واحد» می‌نهد و به مسئله لزوم وحدت و ایجاد این امت متحد اسلامی، نگاهی ویژه دارد.

جدول ۱ - آیات وحدت آفرین

ردیف	آیات	مضامین پایه	مضامین فراگیر
۱	لَا تُفَرِّقْ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (بقره، ۱۳۶)	لَا تُفَرِّقْ	آیات ناظر بر سلب، نفی و نهی مسلمین از تفرقه و تخاصم مضمون فراگیر: عدم تفرقه و اختلاف
۲	إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِبَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ (انعام، ۱۵۹)	فَرَّقُوا	
۳	وَاطِيعُوا لِلَّهِ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَنَشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (انفال، ۴۶)	لَا تَتَّزِعُوا	
۴	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره، ۲۰۸)	لَا تَتَّبِعُوا	
۵	وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا (يونس، ۱۹)	فَاخْتَلَفُوا	
۶	وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلَّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ (انبیاء، ۹۳)	تَقَطَّعُوا	
۷	فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ (زخرف، ۶۵)	فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ	
۸	وَاطِيعُوا لِلَّهِ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَنَشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (انفال، ۴۶)	تَنَشَلُوا	
۹	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَارْتَبَطُوا بِهِ جَبَلًا (آل عمران، ۱۰۳)	وَاعْتَصِمُوا فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ	آیات ناظر بر ایجاب و اثبات و امری که مسلمین را به اتحاد و همبستگی دعوت می نماید.
۱۰	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً (رم، ۲۱)	مَوَدَّةً وَرَحْمَةً	مضمون فراگیر: امت واحده، اتحاد
۱۱	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ (آل عمران، ۲۰۰)	رَابِطُوا	
۱۲	كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ (بقره، ۲۱۳)	أُمَّةً وَاحِدَةً	
۱۳	وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ... (مائده، ۴۸؛ نحل ۹۳؛ شوری ۸)	أُمَّةً وَاحِدَةً	
۱۴	إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء، ۹۲)	أُمَّةً وَاحِدَةً	
۱۵	لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ (نساء، ۱۱۴)	إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ	

مضمون پایه ای که از برخی آیات گرفته می شود، ناظر بر عدم تفرقه و عدم منازعه است. دسته دیگری از آیات، ناظر بر اتحاد، ارتباط و تشکیل امت واحده هستند. به عبارت دیگر، ملاک اصلی وحدت و ایجاد امت واحده از منظر قرآن کریم، «ایمان» و «عقیده» است و اتفاقاً همین مسئله، سبب شده که اسلام از واژه امت به جای ملت که در آن تمایزات قومیتی، سرزمینی و نژادی پررنگ است، استفاده نماید. در قرآن، «امت واحده» به معنی آیین واحد، به مفهوم توحیدی آن نیست؛ بلکه به صورت گروه جانوری و غریزی و فطری، از مجموعه ای است که باهم زندگی می کنند. آنجا که خداوند می فرماید: «و اگر پروردگار او می خواست به شما عقل نمی داد، قدرت تفکر و تصمیم گیری و خلاقیت نمی داد، آزادی انتخاب نمی داد ... و شما هم همانند

گروه‌های بی‌شمار جانوری، امت یگانه می‌شدید» (قدسی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۳). اما در مقابل این نگاه، به نظر می‌رسد از تصریح آیاتی چون آیه ۹۲ سوره انبیاء (همانا این امت شما است، امت واحد، و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید) و آیه ۵۳ سوره مؤمنون (همانا این امت شما است، امت واحد و من پروردگار شما هستم، پس از من پروا داشته باشید) و آیاتی از این دست، که امت را در معنای جماعت مسلمانان به کار برده، چنین برمی‌آید که همه مسلمانان یک امت‌اند؛ با پروردگار و کتاب و پیامبر واحد و باید براساس وظیفه اسلامی و فطرت خود در جهت تحقق امت واحده اسلامی تلاش کنند. با توجه به آیه ۴۷ سوره مبارکه یونس (چنانکه هر امتی را رسولی است)، «لکل امة رسول...» (یونس، ۴۷)، نیز اهمیت ایجاد این وحدت تا حدی است که دعوت به یک دین مشترک برای رسیدن به امتی واحد، نشان از وحدت رویه و هدف نهایی و مشترک همه رسولان الهی دارد.

۳. امت واحده در سنت و سیره معصومین(ع)

دومین منبع و دلیل استنباط احکام اسلامی، «سنت» می‌باشد که به قول یا فعل یا تقریر معصوم(ع) اطلاق می‌شود (مظفر، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۶۳). تحقق امت واحده به‌عنوان یک دستور دینی، دارای ریشه‌های روایی در سنت و سخنان معصومین(ع) می‌باشد. «نخستین نشانه‌های انسجام و همگرایی امت اسلام در صدر اسلام را می‌توان در پیمان‌های عقبه اول و دوم مشاهده کرد؛ که در مکه توسط پیامبر اسلام(ص) با حضور بزرگان قبایل اوس و خزرج یثرب انجام گرفت. دومین آن را در عقد اخوت دینی، که به توصیه پیامبر اکرم(ص) در سال اول هجری در مدینه میان مهاجرین و انصار واقع شد ... پیامبر اسلام(ص) بعد از هجرت تاریخی به مدینه، با انتخاب واژه «امت» برای تمام ساکنان مدینه، به اجتماع مسلمانان، معنای تازه‌ای بخشید که با معانی واژه‌های رایج دیگر از جمله طبقه، قوم، طایفه و... تفاوت داشت» (کعبی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۱۶۴). به این ترتیب و با این عملکرد پیامبر اسلام(ص)، همه تمایزات خونی، نژادی، قومی و قبیله‌ای از اعتبار افتادند و در واقع، شکل‌گیری «امت واحده» خط بطلانی بود بر پیوندهای ناسیونالیستی عصر جاهلیت. پیامبر، پس از استقرار در مدینه در جهت تشکیل امت واحده اسلامی و از میان برداشتن نزاع‌های قومی و قبیله‌ای، به تدوین «قانون اساسی» مدینه پرداختند و اولین بار، مفهوم امت اسلامی توسط پیامبر اسلام(ص) در متن این معاهده، مطرح شد.

در آغاز این قانون اساسی آمده است: «این نوشته محمد است در میان مؤمنان از قریش و مردم یثرب و هرکسی که از آن پیروی کرده و به آن ملحق شد و همراهشان جهاد کرد، آنها امت واحده هستند» (فیرحی،

۱۳۹۱: ص ۱۱۷). آری پیامبر اسلام با الهام گرفتن از تعالیم قرآن کریم، جامعه‌ای توحیدی و مدینه‌ای فاضله سرشار از حسّ نوع‌دوستی و برادری و ایثار، بنیان نهاد که هنوز بشریت در آرزوی تحقق دوباره چنین جامعه‌ای است. جامعه‌ای که در آن، به‌جای تمایزات دنیوی و افتخارات مادی، روحیه همدلی و اخوت و گذشت حاکم بود و براساس باورهای توحیدی و مبانی نظری و عملی اتحاد امت اسلامی شکل گرفته بود. «خداوند متعال در قرآن کریم، وحدت بر محور رهبری خدا و رسول و جانشینان آن حضرت را عامل حفظ همبستگی و اتحاد مردم معرفی می‌کند» (عبد خانی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۱).

صاحب کتاب «مبانی فقهی حکومت اسلامی»، چندین روایت را که دال بر توجه پیامبر اسلام (ص) به بحث وحدت امت اسلام است، مطرح نموده است. از پیامبر خدا منقول است که فرمود: «همانا پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است، آگاه باشید که فضیلتی برای عرب بر عجم و عجم بر عرب و سیاه بر قرمز و قرمز بر سیاه نیست؛ مگر بر پایه تقوا». باز از آن حضرت منقول است که در حجه‌الوداع فرمود: «ای مردم! همانا پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است، همه شما از آدم و آدم از خاک است. همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است. و برای عرب بر عجم فضیلتی نیست، مگر با تقوا، هان! آیا من رساندم؟ گفتند: بلی. فرمود: پس حاضران به غائبان برسانند...». همچنین از پیامبر خدا نقل شده که فرمودند: «مَثَل مؤمنان در دوستی و مهربانی و انعطافشان نسبت به هم، همانند یک پیکر است که اگر در یک عضو از بدن، دردی ایجاد شود؛ سایر قسمت‌های بدن نیز با شب‌بیداری و تب، وی را همراهی می‌کنند» (منتظری، ۱۴۰۹: ج ۵، ص ۲۲۹، ۳۳۱). این احادیث به‌صراحت، نشان از نگاه دین اسلام و رسول گرامی آن به روابط انسانی و برابری انسان‌ها در خلقت و پیوند عمیق مؤمنان در یک جامعه دینی با یکدیگر و همچنین این مسئله که انسان‌ها، با تمایزات ظاهری، حقیقتاً از یکدیگر متمایز و برتر نمی‌شوند و ملاک حقیقی در این برتری و کمال، تقوا و شایستگی‌های نفسانی است، دارد.

در حدیث معروف دیگری، امام صادق (ع) از رسول خدا روایت می‌کند که: «إِنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا ينادي يا للمسلمين فلم يعجبه، فليس بمسلم» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۴۱۷؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ص ۳۳۶)؛ (کسی که صبح کند و اهمیتی به کارهای مسلمین ندهد، او از آنان نیست و کسی که صدای مردی را بشنود که فریاد کمک‌خواهی از مسلمانان را سر دهد و پاسخش را ندهد، مسلمان نیست). هشدار رسول اسلام (ص) در این روایت، بسیار قابل تأمل است؛ گویی اینکه اگر بر شخص، روزی بگذرد بدون رسیدگی به فریاد «هل من ناصر» کسی، از دایره مسلمانی و دینداری خارج گردیده است! این مهم، مصداق حقیقی روایت پیش است؛ که مؤمنان را چونان

اعضای یک بدن نسبت به یکدیگر توصیف کرده و بیان کرده بود که هر کنشی در هریک از اعضا، طبیعتاً می‌تواند واکنشی را در اعضای دیگر به دنبال داشته باشد.

همچنین با تفحص در کتب روایی، می‌توان احادیث دیگری را نیز پیرامون لزوم وفاق و برادری میان مسلمانان یافت: احادیثی مانند: «المؤمن اخو المؤمن» (مؤمن برادر مؤمن است) (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۶۵؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۲۳۱)؛ «المسلم اخو المسلم» (مسلمان برادر مسلمان است) (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۴۲۳؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۲۸۰) منقول از امام صادق (ع). اینها همه یعنی رابطه مؤمنین با یکدیگر در یک جامعه دینی، همچون رابطه خونی اعضای یک خانواده است؛ توأم با وفق و مدارا و محبت و خیرخواهی. امام باقر (ع) نیز در حدیثی می‌فرماید: «یا معشر المؤمنین تألفوا و تعاطفوا»، «هان ای گروه مؤمنان! مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۲، ص ۲۱۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۳۴۵؛ حلی، ۱۴۲۵ق: ج ۲، ص ۶۸؛ عاملی، بی‌تا: ص ۱۲۶). از منظر امیرمؤمنان، علی (ع) اصلاح میان مؤمنین، آنقدر قدر و قیمت دارد که ارزش آن از هر نماز و روزه‌ای بالاتر است. بی‌گمان منظور از این اصلاح، صرفاً ائتلاف و اتحاد ظاهری نیست؛ بلکه بیشتر و بالاتر از آن، نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر و خوشبین نمودن گمان‌ها نسبت به هم است؛ که می‌تواند مقدمه‌ساز ایجاد وحدت واقعی در جامعه اسلامی و گام بلندی در راستای تحقق «امت واحده» باشد. ایشان در وصیت به حسنین می‌فرمایند: «و بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری گزیدن از جدایی و پشت کردن به یکدیگر». همچنین در راستای تأکید بر وحدت و ائتلاف میان مؤمنان و ضرورت این امر و پرهیز از تفرقه، رئیس مکتب جعفری، امام صادق (ع) می‌فرماید: «صدقه یحبّها الله اصلاح بین الناس اذا تفاسدوا و تقارب بینهم اذا تباعدوا»، «ایجاد وحدت، هنگام پیدایش اختلاف و تباهی امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدایی، صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست دارد» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۱۸، ص ۴۳۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ص ۵۳۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۷، ص ۲۶۳).

البته پیامبر اسلام (ص)، محور این اتحاد را اهل بیت (ع) می‌داند و می‌فرماید: «فانتم [اهل البيت] اهل الله عزوجل الذين بهم تمت النعمه و اجتمعت الفرقه و ائتلفت الكلمه»، «شما [اهل بیت]، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل شده و پراکندگی برطرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۴۴۶). همچنان که امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در خطبه هجدهم نهج البلاغه، ضمن مذمت اختلاف و دودستگی در جامعه اسلامی، به ریشه‌های وحدت در این جامعه که یگانگی خدا و وجود پیامبر و کتاب واحد است، اشاره می‌کند و می‌فرماید: «و الههم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد أفأمرهم الله سبحانه

بالاختلاف فاطاعوه ام نهام عنہ فعصوه»، «خدا یکی، پیامبر یکی، و کتاب یکی است. آیا آنها را خداوند به اختلاف و دودستگی فرمان داده و او را اطاعت می‌کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می‌کنند؟» (سیدرضی، ۱۳۷۹: ص ۶۳-۶۲). آنچه گفته شد، نمونه‌هایی از سخنان و روایات معصومین (ع) در مورد وحدت و مذمت افتراق و دودستگی در امت اسلامی بود. در سیره عملی زندگی معصومین (ع) نیز این تلاش برای حفظ وفاق و یکپارچگی در جامعه اسلامی مشهود است. همچنان که امیرالمؤمنین (ع) به دلیل حفظ اتحاد مسلمانان از حق مسلم خلافت و جانشینی خود بعد از پیامبر اسلام (ص) گذشتند و ۲۵ سال خانه‌نشینی را اختیار کردند؛ در حالی که می‌دانستند خلافت حق ایشان و شایسته‌شان است.

۴. ضرورت وحدت امت اسلام در دوران معاصر

انسان، موجود اجتماعی است و چاره‌ای جز زندگی با هم‌نوعان خود ندارد. انسانیت انسان‌ها، آنها را به سمت هم‌گرایی سوق می‌دهد که در ادبیات اسلامی از آن به‌عنوان فطرت توحیدی یاد می‌شود. خداوند در آیه ۳۰ سوره روم بیان می‌دارد: «فَطَرَتَ اللّٰهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» فطرت در همه انسان‌ها مشترک است. امری عینی، تکوینی و جاودانه است. تا به امروز، تحقیقات مفصلی در مورد وحدت میان مسلمانان توسط اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی صورت گرفته است و به‌نظر نمی‌رسد کسی تا به حال از میان بیدارگران جوامع اسلامی در ضرورت و اهمیت ایجاد وحدت میان مسلمین برای ایستادگی در برابر دشمنان اسلام، تردیدی نموده باشد. آری این مهم، واقعیتی است که با کمک عقل سلیم و وجدان بیدار، کاملاً قابل درک است. یکی از نقشه‌های استعمارگران در راه رسیدن به اهداف خود در کشورهای اسلامی، ایجاد تفرقه میان مسلمانان بوده و هست. آنها از دو طریق درصدد جلوگیری از وحدت ملت‌های اسلامی برآمده‌اند: یکی، تقویت تعصب نژادی و قومی-طایفه‌ای یا ملی‌گرایی و دیگری، تحریک تعصبات فرقه‌ای مانند شیعه و سنی (غرسبان روزبھانی، ۱۳۹۶: ص ۴). علاوه بر دلایل قرآنی و روایی که در این خصوص مختصراً به آنها اشاره شد، دلایل دیگری را نیز می‌توان به‌عنوان دلایل ضرورت وحدت اسلامی نام برد. حفظ مصلحت جامعه اسلامی و بهره‌گیری حداکثری از اسلام، قطعاً یکی از این دلایل است. چنانچه امیرمؤمنان علی (ع) هم، در دوران بعد از رحلت رسول اکرم (ص) عقلانیت را بر حقانیت ترجیح دادند و از صف بستن مسلمانان مقابل یکدیگر در آن مقطع حساس، ممانعت به عمل آوردند (غرسبان روزبھانی، ۱۳۹۶: ص ۱۷).

قرآن کریم در آیه ۱۰ سوره حجرات، آیه ۲۲۰ سوره بقره، آیه ۱۱ سوره توبه و آیه ۵ سوره احزاب به اخوت دینی که یکی از نشانه‌های وحدت است، اشاره کرده و دوری از نزاع و روی آوردن به اصلاح را ثمره پیوند قلبی

مؤمنان دانسته است. نشانه وحدت بین امت‌های مسلمان، رحمه للعالمین بودن رسول اکرم (ص) است؛ که در سطح جهانی، برای همه امت‌ها است. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر، انسان‌ها را برادران دینی و یا هم‌نوعان هم خطاب می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). استاد شهید مطهری نیز در این باره می‌نویسد: «ما این را باید بدانیم که در این عصر از هر عصر دیگر مسلمانان، بیشتر به اتحاد و رفع اختلاف احتیاج دارند. ما شیعیان، این افتخار را داریم که علی (ع) بزرگ‌ترین گذشت‌ها و فداکاری‌ها را در زمینه خلافت انجام داد. در نهایت خلوص تبت، با رقبای خود همکاری و همگامی کرد؛ یعنی مصلحت اسلام را بالاترین مصلحت‌ها دانست» (مطهری، ۱۳۹۱: ج ۲، ص ۲۰۸).

مقام معظم رهبری نیز در این خصوص می‌فرماید: «مسلمانان عالم، هرچه به اسلام نزدیک‌تر شوند، طعم عزت را بهتر خواهند چشید و هرچه با یکدیگر متحدتر باشند، امکان استفاده از اسلام را بیشتر به دست خواهند آورد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۸/۲۶). به تعبیر رهبر انقلاب، ایجاد این وحدت میان مسلمانان از اهمیت استراتژیک خاصی برخوردار است؛ نه اینکه صرفاً یک مسئله تاکتیکی باشد. «هدف از این کار آن است که با شعار وحدت مسلمین - که شعار درست و ضروری هم هست - و من از قدیم این اعتقاد و تفکر را داشتم و دارم و آن را یک مسئله استراتژیک می‌دانم، یک مسئله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ایجاد می‌کند که با مسلمین غیرشیعه ارتباطات داشته باشیم. مسلمانان به تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است. ما با این انگیزه صحیح، مسئله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسئله اساسی قرار دادیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱/۲۶). بی‌تردید، وحدت مسلمین در دنیای امروز می‌تواند خنثی‌کننده بسیاری از دسیسه‌هایی باشد که در فضای مجازی و حقیقی، هر روز به دست دشمنان اسلام و مسلمین طراحی و اجرا می‌شود. صفوف مستحکم و به هم پیوسته مسلمانان می‌تواند در برابر نقشه‌ها و تجاوزهای دشمن چون سدّی محکم و نفوذناپذیر عمل نماید و فکر تجاوز را هم از سر آنها بیرون کند: «ترهبون به عدوالله و عدوکم» (... تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید) (انفال، ۶۰). البته که دشمنان اسلام هم، به درستی دریافته‌اند که رمز موفقیت آنها جلوگیری از شکل‌گیری امت واحد اسلام و انسجام و هم‌گرایی و همدلی در میان مسلمانان است. با تجهیز گروه‌ها و فرقه‌های افراطی منتسب به مذاهب مختلف اسلامی و تشویق و تنبیه و حمایت از آنها، در آتش این تفرقه‌ها می‌دمند؛ تا بتوانند از آب گل‌آلود اختلافات مذهبی، صید خود را که همان شکستن هیمنه مسلمین و تسلط بر منابع مادی و معنوی و انسانی آنها است، به دست آورند. «یکی دیگر از دلایل ضرورت وحدت اسلامی، تصحیح نگاه جامعه جهانی نسبت به دین مبین اسلام و ترسیم خطوط حایل میان

اسلام و فرق جعلی می‌باشد. دشمنان که هیچ نقطه تاریکی در سیاست‌های پیامبر و امامان معصوم نیافته‌اند، سعی در به‌حاشیه راندن اسلام دارند و به تأسیس فرق جعلی که به‌نوعی، زمینه‌ای برای افراطی نشان دادن اسلام است، می‌پردازند. این فرقه‌ها از سوی انگلیس به جهان اسلام تحمیل شده‌اند، تا از اسلام در ذهن مردم جهان به ویژه غرب، تصویری غلط برجای بگذارد؛ اما با وحدت امت اسلام می‌توان با این اقدامات، مقابله نمود» (غرسبان روزبهرانی، ۱۳۹۶: ص ۸).

۴-۱. آثار و پیامدهای وحدت اسلامی

مهم‌ترین پیامد وحدت ملت‌های اسلامی، ثبات و امنیت سیاسی و عدم جنگ و چالش بین آنان است. وحدت در سطح بین‌الملل بین ادیان توحیدی، نوعی دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز و تعامل سازنده را رقم خواهد زد. قرآن کریم در آیه: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (انعام، ۶۵)، تفرقه و پراکندگی را موجب جنگ و نزاع معرفی کرده است. از سوی دیگر، قرآن کریم وجود وحدت را مانع استضعاف و بهره‌کشی می‌داند؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحْ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص، ۴). بر این اساس، وحدت در سطح بین‌الملل بین ملت اسلامی مانع از بهره‌کشی و استضعاف توسط قدرت‌های جهانی می‌شود. همچنین، در قرآن کریم از مؤمنین خواسته شده که خودشان را قوی کنند، «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...» (انفال، ۶۰). بنابراین، ملت-دولت‌های اسلامی نیز باید خودشان را به‌لحاظ نظامی، مجهز و قوی کنند تا عظمت و شکوه خود را حفظ کنند و مانع از تسلط کفار بر خود شوند.

۴-۲. چالش‌های وحدت اسلامی

شناخت موانع وحدت، به اندازه شناخت عوامل وحدت‌آفرین می‌تواند مهم باشد. یکی از این عوامل که مانع وحدت بین ملت‌ها و کشورهای مسلمان می‌شود، عدم اعتماد و بدگمانی نسبت به یکدیگر است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَتَّبِعُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَعَارِبٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء، ۹۴). براساس این آیه شریفه، بدگمانی ممنوع است. این ممنوعیت می‌تواند در سطح فردی، گروهی و ملی و بین‌المللی باشد. مسلمان باید در مسائل مبتلابه، به تحقیق و تفحص پردازد و از بدگمانی یا دامن زدن به اختلافات و ایجاد تنش‌ها جلوگیری کند. از سوی دیگر، طرح مسائل تفرقه‌انگیز و بی‌ثمر که موجب دشمنی و

جنگ بین مردم می‌شود، همواره مذموم است. خداوند در قرآن، همواره مسلمانان را از جنگ و تفرقه نهی کرده است و فعلی که در جهت اتحاد مسلمانان و مؤمنین نباشد، برخلاف دستور قرآن است (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ص ۷۱). بنابراین، ایجاد امت اسلامی در سطح نظام بین‌الملل، کاری سخت و حتی می‌توان گفت غیرممکن خواهد بود. لذا، چاره‌ای نیست، جز تنزل عقلی از این آرمان و تلاش در جهت ایجاد همگرایی با ایجاد اتحادیه‌ها و تشکل‌ها و سازمان‌های بین‌المللی؛ تا اینکه مسلمانان از پیامدهای مثبت این مقدار همگرایی بین کشورهای اسلامی بهره‌مند گردند.

۵. نتیجه‌گیری

تشکیل امت واحده اسلامی مورد تأکید قرآن کریم و آموزه‌های به‌جامانده از سیره معصومین (ع) است. براساس هر دو منبع مهم اسلامی یعنی آیات و روایات، امت‌سازی یکی از مهم‌ترین پروژه‌های اسلام است. در دوران معاصر نیز این امر را نمی‌توان مورد غفلت قرار داد. هم آیات و هم روایات، تلاش کرده‌اند که سازوکاری را برای تأسیس امت اسلامی طراحی نمایند. این سازوکار را در دوره معاصر نیز می‌توان استخراج کرد و به‌کار بست و سویه‌هایی از تأسیس امت اسلامی را به منصفه ظهور رساند. تا مفهوم امت اسلامی، به مفهومی مبهم تبدیل نشود. از این‌رو، به نظر می‌رسد در پاسخ به مسئله چگونگی شکل‌گیری امت اسلامی می‌توان به تنزل عقلی و تدریجی این مفهوم به‌عنوان فرضیه پژوهش مراجعه کرد و بر این باور شد که تأسیس امت اسلامی در نظام بین‌المللی جهانی شده، که کنشگران اسلامی در آن به‌صورت دولت-ملت‌های مجزا از هم حضور دارند، امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، گزینه جایگزین براساس تنزل عقلی، تأسیس اتحادیه‌های اسلامی و حرکت به سمت همگرایی میان کشورهای اسلامی است. این امر، می‌تواند مرحله پیشامت اسلامی را تداعی کند. فرآیندی که پیش‌تر با تأسیس سازمان‌هایی نظیر کنفرانس اسلامی و یا امروزه، کشورهای همچون مالزی با تأسیس اتحاد اسلامی آن را در دستور کار قرار داده‌اند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- بانو امین اصفهانی، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نشر نهضت زنان مسلمان، ج ۵.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: بنیاد بعثت، ج ۱.
- حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: موسسه آل البيت (ع)، ج ۱۶، ۱۲، ۱۸.
- حسینی همدانی، سید محمد مهدی (۱۴۰۴ق). انوار درخشان. تهران: کتابفروشی لطفی، ج ۳.
- حلّی، مقداد (۱۴۲۵ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی، ج ۲.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹/۱/۲۶). بیانات در دیدار با اعضای ستاد برگزاری کنفرانس جهانی اهل بیت. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2294>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۸/۲۶). بیانات در دیدار با کارگزاران نظام. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2918>
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی التفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ج ۱۲، ۲۳.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی التفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۹-۱۰، ۱۶، ۱۸.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ج ۹.
- طوسی، محمد (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
- عاملی (شهید اول)، محمد (بی تا). رسائل الشهد الاول. بی نا.
- عبدخانی، ماجده (۱۳۹۶). ضرورت اتحاد و اخوت اسلامی از منظر قرآن و حدیث. قرآنی کوثر، شماره ۶۰.
- غرسبان روزبهانی، مرتضی (۱۳۹۶). ضرورت وحدت اسلامی و راهکارهای تحقق آن. مبلغان، شماره ۲۲۱.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ج ۲۷.
- فیرحی، داوود (۱۳۹۱). تاریخ تحول دولت در اسلام. قم: دانشگاه مفید.
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق). نفس یر الصافی. تهران: انتشارات صدرا، ج ۱.
- قدسی، علی (۱۳۸۶). امت واحده در قرآن کریم. بیانات، شماره ۵۴.
- قرآنتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۴، ۲۳، ۱۰.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ج ۴.
- کعبی، عباس (۱۳۹۵). تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ج ۲.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الفروع المن الکافی*. تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳-۱.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: کتابفروشی علمی، ج ۴.
- مصاحبه کیهان هوایی با آیت‌الله مصباح یزدی، (۱۳۶۷/۴/۱۲).
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۱). *یادداشت‌های استاد مطهری*. تهران: صدرا، ج ۲.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۱۰ق). *اصول الفقه*. قم: بوستان کتاب، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ج ۲-۳، ۷-۸، ۱۶.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*. ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری. قم: موسسه کیهان، ج ۵.
- نوری (محدث)، میرزا حسن (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: موسسه آل‌البیت، ج ۷.